



معانی مجازی در قرآن مجید (بخش پنجم)

یعقوب جعفری

دلالت لفظ بر معنای مجازی با توجه به قراین خارجی

یکی دیگر از تقسیمات معنای مجازی، تقسیم آن بر اساس قرینه صارفه است. گاهی دلالت لفظ بر معنای مجازی به کمک قراینی است که در درون جمله وجود دارد و سیاق کلام و موقعیت واژه در آن، مخاطب را به معنای مجازی رهنمون می‌شود، و گاهی هیچ‌گونه قرینه‌ای در کلام وجود ندارد که مخاطب بتواند به سبب آن از معنای حقیقی لفظ عبور کند و به معنای مجازی برسد، ولی در بیرون از آن جمله، قراینی وجود دارد که با توجه به آنها مخاطب در می‌یابد که این لفظ در معنای حقیقی خود به کار نرفته و مراد متکلم یک معنای مجازی است.

بیشتر مجازهایی که در قرآن کریم وجود دارد از نوع اول است و نمونه‌های گوناگونی از آن را در بخش‌های قبلی آوردیم. اکنون درباره‌ی نوع دوم یعنی دلالت لفظ بر معنای مجازی بر اساس قراین خارجی بحث می‌کنیم.

قراین خارجی معمولاً از روش و شیوه متکلم یا نویسنده یا شاعر به دست می‌آید و مخاطب با توجه به شیوه رایج در بیان آن متکلم، متوجه می‌شود که وی الفاظی را در معنای مجازی به کار برده در حالی که در ساختار جمله قرینه‌ای برای آن وجود ندارد.

با توجه به شیوه خاصی که در آیات قرآنی موجود است، می‌توان قرینه‌های خارجی

متعددی را برای اراده معنای مجازی در آن استخراج کرد که از آن جمله است:

۱. دلالت لفظ بر معنای مجازی با توجه به آیه دیگر

گاه واژه‌ای در آیه‌ای به کار رفته که هیچ قرینه داخلی بر اراده معنای مجازی در آن وجود ندارد ولی با توجه به مفهوم مجازی آن در آیه دیگر، متوجه می‌شویم که در اینجا نیز همان معنا اراده شده است و این شاید نوعی تفسیر قرآن به قرآن باشد. این موضوع می‌تواند به بسیاری از پرسش‌ها و شبهاتی که از سوی گروه‌های خاصی مطرح شده است پاسخ دهد.

اکنون به نمونه‌ای از آن توجه فرمایید:

«رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (آل عمران، ۸)

در این آیه، کلمه «الْزِغُ» مورد نظر است و پرسش این است که آیا در این آیه معنای حقیقی «زیغ» مراد است؟ یعنی مؤمنان از خدا می‌خواهند که آنها را پس از آنکه هدایت شده‌اند گمراه نکند؟ اگر چنین معنایی مراد باشد، لازمه آن این می‌شود که ممکن است خداوند مؤمنی را که هدایت یافته، یک مرتبه گمراه کند.

درباره این آیه سخنان بسیاری گفته شده، ولی مرحوم سید رضی در حقائق التاویل سخن عالمانه‌ای دارد که نقل می‌کنیم. ایشان پس از نقل نه قول در تفسیر آیه، نظر خودش را به عنوان قول دهم بیان می‌کند و می‌گوید:

آنچه ما می‌گوییم این است که باید آیات متشابه را به آیات محکم برگردانیم. در قرآن کریم درباره «ازاغه» آیاتی وارد شده که برخی از آنها محکم و برخی دیگر متشابه است و باید متشابه را به محکم برگردانیم. آیه‌ای که متشابه است، قول خداوند است که می‌فرماید: «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا...». این آیه را نمی‌توان بر ظاهر آن حمل کرد، چون ظاهر آن این است که گاهی خداوند مؤمن را پس از ایمان گمراه می‌کند و این طبق دلایلی که داریم درست نیست از این رو باید این آیه متشابه را به آیه‌ای محکم برگردانیم و آن آیه این است: «فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ» (صف، ۵)، در این آیه دو گونه «زیغ» وجود دارد. «زیغ» اول از بندگان و زیغ دوم از خداست که عقوبت و کیفر برای آنان است و مفهوم آیه این است که زیغ آنان انحراف از ایمان است و زیغ خداوند بازداشتن آنها از ثواب و بهشت است. معلوم می‌شود که زیغ اول کار قبیحی است و زیغ دوم که از خداست کار خوبی است چون از باب مجازات مجرمان است.^۱

۱. شریف رضی، حقائق التاویل، ص ۲۳-۲۴.

طبق این نظر، در آیه مورد بحث «زیغ» در یک معنای مجازی به کار رفته و قرینه صارفه آن آیه سوره صف است و آن معنای مجازی این است که از خدا درخواست می‌کنیم که ما را از اینکه گمراه شویم و او ما را مجازات کند باز دارد.

معنای حقیقی «زیغ» انحراف از حق و گمراهی است و معنای مجازی آن که در آیه مورد بحث مد نظر است، کیفر دادن در برابر گمراهی است که نسبت دادن آن به خداوند نه تنها قبیح نیست بلکه زیبا هم هست. بنابراین مشکلی در تفسیر آیه وجود ندارد. این اصل را می‌توان در آیات مختلف قرآن جریان داد و به نتایج خوبی رسید.

۲. توجه به ضرورت‌های دینی

در اسلام موضوعات گوناگونی وجود دارد که از ضروریات دین به شمار می‌رود، یعنی تمام مسلمانان بر آن اتفاق نظر دارند. ضروری بودن یک موضوع گاهی از قرآن، گاهی از سنت و گاهی از اجماع امت معلوم می‌شود. این ضروریات گاهی اعتقادی و گاهی فقهی‌اند. حال می‌گوییم: در آیات قرآنی گاهی کلماتی آمده است که طبق این ضروریات باید برای آنها معنای مجازی در نظر بگیریم و ضرورت‌های دینی قرینه صارفه آنهاست. در اینجا نمونه‌هایی از این گونه آیات را می‌آوریم.

ضرورت‌های اعتقادی

یکی از ضروریات دین اسلام این است که خداوند جسم نیست و جهت و سمت ندارد و در قرآن و احادیث بر آن تأکید شده است. با توجه به این موضوع باید آیاتی را که به ظاهر دلالت بر جسم بودن خدا دارند بر معنای مجازی حمل کنیم. نمونه‌هایی از این مقوله آیاتی هستند که در آنها برخی از صفات خبری خداوند ذکر شده است، مانند:

«الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه، ۵)، «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح، ۱۰)، «وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (رحمن، ۲۷)، «مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتَ بِيَدَيَّ» (ص، ۷۵)، «وَأَصْنَعُ الْفُلُكَ بِأَعْيُنِنَا» (هود، ۳۷). در این آیات، کلمات «استواء» «ید» «وجه» و «عین» در معنای حقیقی آنها به کار نرفته است چون لازمه آن تشبیه و تجسیم است و این با ضرورت‌های دینی مغایرت دارد. ما باید معانی مجازی آنها را در نظر بگیریم و کلمات مزبور را چنین معنا کنیم: استواء = غلبه، ید = قدرت، وجه = ذات، عین = حضور و مراقبت.

□ ۵۱ معانی مجازی در قرآن مجید

استعمال این الفاظ در این معانی مجازی همه جا شایع است و اختصاص به قرآن هم ندارد. در متون ادبی عربی، این الفاظ گاهی در معنای حقیقی خود به کار می‌روند و گاهی هم معنای مجازی آنها مراد است. در قرآن نیز گاهی این الفاظ در معنای حقیقی و گاهی در معنای مجازی به کار رفته است.

مثلاً واژه‌های «استواء»، «ید»، «وجه» و «عین» به ترتیب در آیات زیر در معنای حقیقی خود یعنی به معنای قرار گرفتن، دست، صورت و چشم به کار رفته‌اند.

«وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ» (هود، ۴۴)، «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ» (مائده، ۶)، «وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالتَّائِبَ بِالْإِنْفِ» (مائده، ۴۵).

این در حالی است که این واژه‌ها در آیات مربوط به صفات الهی، قطعاً در معنای مجازی به کار رفته‌اند که تفصیل آن ذکر شد.^۱

ضرورت‌های فقهی

برخی احکام فقهی از ضروریات اسلام به شمار می‌آیند و میان علما هیچ گونه اختلافی در آنها نیست. حال اگر در آیات قرآنی کلماتی به کار رفته باشد که اگر معنای حقیقی آنها را در نظر بگیریم با ضروریات فقهی مغایر می‌شود، باید آنها را به معنای مجازی برگردانیم و این خود قرینه صارفه روشنی بر آن معنای مجازی می‌شود. چند آیه را به عنوان نمونه ذکر می‌کنیم:

«وَآتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ» (نساء، ۲). کلمه «الیتامی» یک معنای حقیقی دارد و آن کودکانی هستند که پدرانشان مرده و آنها هنوز به حد بلوغ و رشد نرسیده‌اند. در این آیه نمی‌توانیم «الیتامی» را بر معنای حقیقی خود حمل کنیم، زیرا اموال آنها را نباید در اختیارشان قرار داد، چون هنوز به حد بلوغ نرسیده‌اند، و این یک ضرورت فقهی است که یتیم تا وقتی که به حد بلوغ نرسیده از محجوران است و اختیار مال او در دست وصی یا قیم است.

به سبب همین ضرورت فقهی باید «الیتامی» را به معنای کسانی بگیریم که قبلاً یتیم بوده و اکنون به حد بلوغ و رشد رسیده‌اند و آیه را چنین معنا کنیم: اموال یتیمانی را که به حد بلوغ

۱. البته در میان مسلمانان کسانی مانند: حشویه و مشبهه هستند که این الفاظ را به معنای حقیقی خود گرفته‌اند و برای خدا دست و پا و صورت قائلند و چون از آنها پرسیده می‌شود که خدا دست و پا دارد؟ می‌گویند نمی‌دانیم. و پاسخ اصلی آنها «بلکفه» است، یعنی بلاکیف!

رسیده‌اند به آنان بدهید.

– «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً» (نور، ۳). معنای حقیقی کلمه «ینکح» و «نکاح» ازدواج مشروع است، ولی در این آیه اگر نکاح را به این معنا بگیریم با ضروریات فقهی مغایر می‌شود، چون از نظر فقهی یک مسلمان هر چند زانی باشد می‌تواند با زن پاکدامن ازدواج کند و نیز او نمی‌تواند با زن مشرکه ازدواج کند. بنابراین لازم است نکاح را در این آیه به معنای مطلق همبسترشدن بگیریم که شامل نوع نامشروع آن هم می‌شود.^۱

۳. قراین عقلی

یکی دیگر از قراین خارجی برای عبور از معنای حقیقی کلمه و رسیدن به یک معنای مجازی، قراین عقلی است که خارج از ساختار جمله است. در آیات قرآنی و همین طور در ادبیات عربی، گاهی لفظی به کار می‌رود که با توجه به قرینه عقلی معلوم می‌شود آن لفظ در معنای حقیقی خود به کار نرفته است. این شیوه اگر درست به کار گرفته شود، یکی از وجوه بلاغت در کلام و بها دادن به فکر مخاطب است.

مثالهایی از آیات قرآنی:

– «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أَلْمِیْتَةُ وَ أَلْدَمُّ وَ لَحْمُ الْخِنْزِیْرِ» (مائده، ۳)

– «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَ بَنَاتُكُمْ وَ...» (نساء، ۲۳)

در این دو آیه تحریم به صورت کلی و مطلق ذکر شده و با توجه به معنای حقیقی آن شامل هر نوع بهره‌برداری از چیزی است که متعلق تحریم قرار گرفته است، ولی با قرینه عقلی روشن می‌شود که تحریم در این آیات مربوط به نوع خاصی است. تحریم در آیه اول مربوط به خوردن آن چیزها و در آیه دوم مربوط به ازدواج با محارم است.

– «إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا» (نوح، ۲۷). معنای حقیقی آیه این

است که نوزادهای کافران از همان لحظه ولادت فاجر و کفار هستند ولی با دلالت قرینه عقلی روشن می‌شود که منظور آیه پیدایش نسلی بدکار و ناسپاس است که پس از رسیدن به بلوغ چنین حالتی را پیدا می‌کنند.

۱. برای تفصیل مطلب در معنای درست این آیه، رجوع شود به مقاله این جانب تحت عنوان: «حل یک مشکل فقهی در ترجمه آیه سوم سوره نور» چاپ شده در مجله ترجمان وحی، شماره ۲۴، ص ۴-۱۹.

□ ۵۳ معانی مجازی در قرآن مجید

— «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا» (نساء، ۱۰). در این آیه اکل اموال یتیمان به شدت مذمت شده است. معنای حقیقی «اکل» خوردن طعام یا میوه است، در حالی که از قرینه عقلی فهمیده می‌شود که منظور آیه شریفه فقط خوردن با دهان نیست بلکه کلمه «اکل» در اینجا شامل هر نوع تصرف در مال یتیمان است، چه خوردن باشد یا تصرفات دیگر از قبیل خریدن خانه، یا مسافرت رفتن، یا خریدن لباس و اثاث منزل و مانند اینها. این موضوع در آیات دیگری هم که مشابه این آیه است جریان دارد، مانند: «وَتَأْكُلُونَ أُنثَرًا أَكْلًا لَّمًّا» (فجر، ۱۹)، «أَكُلُونَ لِّلسُّحْتِ» (مائده، ۴۳)، «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِإِلْبَاطٍ» (بقره، ۱۸۸) و نظایر اینها.

